

بینا منورہ

@mirzaehaa

# ماسوله‌ای‌ها در نهضت جنگل: آنچه بودند، آنچه شدند! از سلحشوری و ایثار در واقعیت، تا قومی ناسپاس در سریال کوچک جنگلی

مرتضی سخایی؛ ۱۴۰۱/۰۴/۰۲



یکی از ماندگارترین سکانسهای «سریال کوچک جنگلی» به کارگردانی بهروز افخمی، مربوط می‌شود به شیون و گریه‌زاری زنی ماسوله‌ای که در جریان جنگ ماسوله، فرزند خود را از دست داده است. این زن، از روی خشم و یا شاید جَبونی و ترس جملات ناسپاسانه‌ای به میرزا کوچک خان می‌گوید.

آنچه که میرزایی‌ها را واداشت تا به این سکانس تأثیرگذار و فوق‌العاده مهم پردازد، وارونه‌نمایی‌های این سریال در ارتباط با زنان ماسوله‌ای است و بس. در ابتدا نظرتان را به دیالوگ‌هایی که این زن رنج‌دیده خطاب به میرزا کوچک خان بر زبان می‌راند جلب میکنم:

جنازه فرزند نوجوان زن میانسال ماسوله‌ای، در کنار او روی زمین افتاده و این زن مشغول شیون و زاری است. از قضاء میرزا کوچک خان که با خود خلوت کرده و در حال قدم زدن در کوچه پس‌کوچه‌های ماسوله است و به فکر تسلیم شدن به قوای روس است، از جلوی زن رد می‌شود:

- میرزا کوچک
- میرزا کوچک
- بین چه به روزگار ما آوردن
- بین چه جوری ما رو بی خانمان کردن
- با دست جنازه فرزندش را به میرزا نشان می‌دهد و می‌گوید:
- بین این نتیجه کارای توئه
- ماسوله رو جبهه جنگ قرار دادی، حالا که شکست خوردی،
- دارن ما رو خونه خراب می‌کنن
- چرا تفنگ چی‌ها تو ور نمی‌داری بری از ماسوله؟!
- زن و بچه مردم سربازن مگه؟!
- خونه‌های مردم سنگرن مگه؟!
- حتماً باید همه مردم ماسوله فدای سرِ تو بشن، وگرنه دست بر
- نمی‌داری؟!
- تا جونمونو نگیری خلاصمون نمی‌کنی؟!
- چرا نمی‌ری از اینجا میرزا؟!
- چرا مردم ماسوله رو سپر بلای خودت می‌کنی؟!

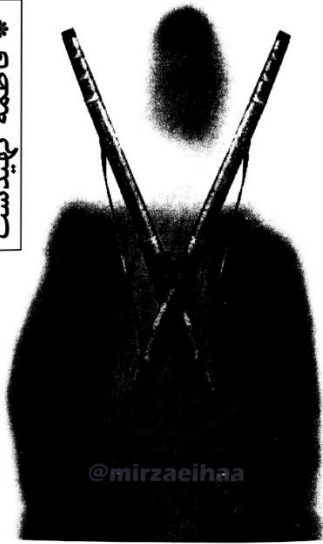
ماسوله‌ای‌ها حتی از نام و نشان آن نوجوان شهید شده مطلع بودند اما هیچگاه، هیچکدام از این تاریخ نگارانی که در این عرصه قلم زدند و باعث و بانی این وارونه نمایی شدند به خود زحمت یک تحقیق میدانی کوچک را ندادند.

افسوس و صد افسوس و ای دریغ اگر با تمام منابعی که در این رابطه معرفی می‌شود، باز هم انگه‌های ناجوانمردانه به یاران حقیقی میرزا کوچک خان بخورد. اگر تا پیش از این سریال، نبود منابع دلایلی برای وارونه نمایی‌های اینچینی بود، امروز اما این دلیل، یک دلیل متروک است.

با این مقدمه، دو منبع در رابطه با جنگ ماسوله و نقش ماسوله‌ای‌ها در این جنگ معرفی می‌گردد.

با احترام: مرتضی سخایی ، یک میرزایی

# فاطمه تهیدست  
سرروشان؛ نقش زنان در نهضت جنگل



فرهنگ کتابان - شماره ۲۱۹ و ۲۲۰ - بهار و تابستان ۸۳

ما فوق قدرت جنس مقابل خویش داشت تا آن جا که در رژیم مادر شاهی، عشیره، قبیله و مردان جنگجو و مبارز را در زیر چتر حمایت خویش می‌پروراند و حتی نسب آنها از سمت او تعیین و بازگه به افراد همجنس او تعلق می‌گشت. با این حال هرگونه مطالعه‌ی جامعه‌شناختی درباره‌ی وضعیت فرهنگی و اجتماعی زنان به خصوص زنان ایرانی مستلزم مطالعات حوادث سیاسی و وقایع تاریخی این

ساختار تاریخی - اجتماعی زنان از دیدگاه جامعه‌شناسی و باستان‌شناسی در طول تاریخ متغیر بوده و این عکس که زن از نظر قدرت بدنی موجودی ضعیف است، هیچ‌گاه جایگاهی در افکار انبیاي بشری نداشته و همواره در کشورهای کنونی، موقعیت برتر او، او را به ابر قدرتی هم رتبه آزرده‌کار با نیرویی که کانون زندگی را به حرکت درمی‌آورد منسوب می‌گردانند این الهی جاویدان، قدرتی

در این باره آقای محمدعلی روستا، نوه‌ی ۷۷ ساله‌ی غلامعلی بابا، یکی از سران جنگل که میرزا در سوگ شهادت او به یکی از دوستان خود چنین نوشت: «چرا خون نگریم. چرا خوش نخدم/ که دریا فرو رفت و گوهر درآمد/ هم خوشحال و هم بدحال شدم/ و به کوه عزم و اراده‌ام ابدأ لرزش و لغزشی وارد نخواهد آمد فقط عرض می‌کنم که خود آسان بشد و کار مرا مشکل کرد و فقدان هجرش سینه‌ام را تنگ ساخت.» او همچنین خاطره‌ای را از قول مادر بزرگش

تعریف می‌نماید: «زنان ماسوله هنگام جنگ، پشت سنگرها، تفنگ‌های جنگلی‌ها را پر می‌کردند و مهمات و اسلحه به آنان می‌رساندند و هنگامی که مردها برای کمک به میرزا می‌رفتند. عده‌ای از زنان به مرز داری مشغول می‌شدند اسلحه به دست می‌گرفتند و با آمدن روس‌ها بقیه زنان را به طرف جنگل و یا پناهگاهی که در دل کوه‌ها نشان کرده بودند. هدایت می‌کردند. و در مواقعی هم با آنها درگیر و کشته می‌شدند.»

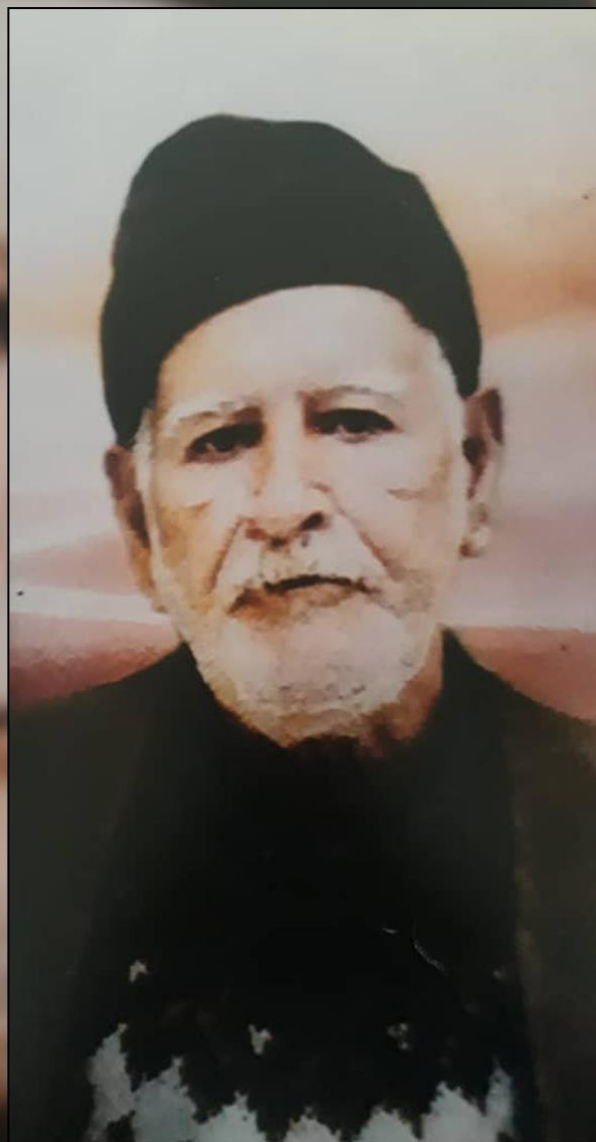
شادروان مشهدی  
محمدعلی روستا ماسوله

ایشان فرزند شادروان زین العابدین  
روستا ماسوله هستند و پدرشان هم  
برادرزاده شهید باباغلامعلی ماسوله  
بود. بنابراین شهید باباغلامعلی  
ماسوله، عموی پدرشان است.

از زحمات سرکار خانم فاطمه تهیدست  
بابت مقاله ارزشمند «سروشان؛ نقش  
زنان در نهضت جنگل» تقدیر و تشکر  
می‌گردد

میرزایی‌ها

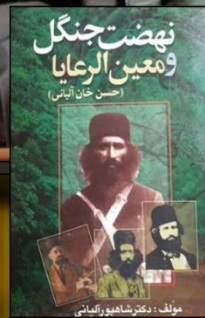
@mirzaehaa







**دکتر شاهیپور آلیانی**  
نوه حسن خان آلیانی و نویسنده کتاب  
نہضت جنگل و معین الرعایا



**دکتر علی رفیعی جبردهی**  
ویراستار کتاب نہضت  
جنگل و معین الرعایا

نہضت جنگل و معین الرعایا

(۴۶)

**میرزادر ماسولہ**

زمانی کہ میرزا در ماسولہ نزد معین رعایا بود، دولشیان از موضوع آگاہ شدند و با دوہست قزاق بہ ماسولہ حملہ بردند. حسن خان آلیانی با نفرات خود بہ مقابلہ پرداختند، حتی زنان و کودکان از بالای خانہما سنگ و چوب پرتاب می کردند.

در این درگیری کسی از طرفین کشتہ نشد. امام غفلتاً تیری بہ کودک نہ سالہ ای کہ در خانہ مروان می نشست بر خورد کرد و او را کشت. این کودک فرزند مرحوم محمد آقا بھلولی و از بستگان مرحوم معین رعایا بود.



«فیلم سینمایی سردار جنگل» به کارگردانی «شادروان امیر قویدل»  
و «سریال کوچک جنگلی» به کارگردانی «بهروز افخمی» به  
سرگذشت اسطوره و دلاور مردِ مردِ گیلانی یعنی میرزا کوچک خان  
جنگلی اختصاص داشت.

@mirzaeihaa